

عراق، بار دیگر کنترل قیمت‌ها را اعمال می‌کند*

مترجم: شریف مطوف

دولت عراق، به دلیل نارضایتی روزافزون عمومی از افزایش بهای مواد غذایی، ناچار به اعمال مجدد سیاست کنترل قیمت‌ها شد. دولت در آوریل ۱۹۸۹ بیانیه‌ای مبنی بر بازگشت به اعمال سیاست کنترل قیمت‌ها صادر کرد تا به دوره هشت ماهه لغو این سیاست پایان دهد. در دوره هشت ماهه مورد نظر، بهای بسیاری از کالاها و خدمات اساسی افزایش یافته است.

مقررات سابق

دولت عراق در ماه اوت سال ۱۹۸۸ سیاست کنترل قیمت‌های کالاهای تولید شده به توسط بخش خصوصی را، به منظور تشویق آنها به افزایش میزان تولید و کاهش میزان کمبود این کالاها در بازار داخلی، ملغی کرد. هدف دیگر این اقدام دولت، بالا بودن میزان صرفه‌جویی از طرف مصرف‌کنندگان و صرفه‌جویی در مصرف ارز از طریق افزایش میزان تولید داخلی و کاهش حجم واردات بوده است.

بر اساس اقدام یاد شده، عملاً "مشاهده گردید که عرضه کالا به بازار افزایش یافت اما قیمت‌ها به شکل سرسام‌آوری افزایش پیدا کرد. دلیل افزایش قیمت‌ها، چیزی جز آزادی عمل بی‌سابقه‌ای که به بخش خصوصی داده شده نیست. بنابراین، دولت در اکتبر گذشته به "سودجویان" هشدار داد تا قیمت‌ها را بیش از حد معقول بالا نبرند و از آزادی داده شده سوءاستفاده نکنند.

در پی این هشدار، قیمت‌ها تا حدودی کاهش یافت اما مردم و مسئولان بخوبی دریافته‌اند که عدم اعمال سیاست کنترل قیمت‌ها نه میزان تولید را بالا می‌برد و نه قیمت‌ها را تثبیت می‌کند.

در اوایل ماه آوریل، بهای یک کیلوگرم گوشت گوسفند در عراق به ۶/۵ دینار عراقی (= ۲۱ دلار)، قوطی محتوی نیم کیلوگرم رب گوجه‌فرنگی به ۷ دینار (= ۲۳ دلار)، یک کیلوگرم گوجه‌فرنگی تازه به ۵ دینار (= ۱۶/۱ دلار)، یک شانه تخم مرغ محتوی ۳۰ عدد تخم مرغ به ۳/۲۵ دینار (= ۱۱ دلار)، یک کیلوگرم سیب زمینی به ۱/۲۵ دینار (= ۴ دلار) و یک کیلوگرم مرغ به ۳/۵ دینار (= ۱۱/۳ دلار) رسید.

* دکتر کامل احمد، "بغداد تعيد نظام الرقابة على الاسعار"، مجلة العالم، العدد ۲۷۷-۲۷۸، حزيران (يونيو) ۱۹۸۹.

بنابراین، دولت از آن هنگام و در طی چند هفته گذشته اقدام به کاهش دادن قیمت‌ها کرده است. مثلاً بهای یک کیلوگرم گوجه‌فرنگی، حداکثر به ۲/۵ دینار (= ۸ دلار) و قیمت یک شانه تخم‌مرغ حداکثر به ۲ دینار (= ۶ دلار) کاهش داده شد. قیمت سبزیهای خوراکی تا ۵۰ درصد کاهش یافت. همچنین دولت عراق به تولیدکنندگان، بازرگانان و فروشندگان برای پیروی از این قیمت‌ها، اخطار جدی داده است. سرنوشت کسانی که از قیمت‌های تعیین شده تبعیت نکنند، حبس در زندان تعیین شده است.

واردات

مواد غذایی در رأس فهرست واردات کشور عراق است. غله، برنج، چای، شکر، شیر خشک، روغن نباتی و حبوبات، عمده‌ترین مواد غذایی وارداتی آن کشور است. مقدار سویسید تخصیص داده شده به مواد غذایی وارداتی به توسط دولت در بودجه سال ۱۹۸۹ بالغ بر ۲۳۳ میلیون دینار (= ۷۵۰ میلیون دلار) است.

دفتر رئیس جمهوری در بیانیه‌های اخیر خود همچنین تأکید کرده است که برنامه کمک به بخش خصوصی ادامه خواهد یافت مشروط بر اینکه بخش خصوصی مصرف‌کنندگان را استثمار نکند. در یکی از این بیانیه‌ها به کسانی که "سودجو" نامیده شده‌اند یادآوری شده است که: "سیاست کمک کردن به بخش خصوصی به معنی آزاد گذاشتن دست آنان برای استثمار مصرف‌کنندگان، نیست."

اکنون مردم بغداد عقیده دارند که موه‌سسه‌های تابع بخش خصوصی، مسئول موج افزایش قیمت‌های پس از پایان جنگ هستند. در این موج گرانی، کمبود مواد غذایی و برخی از کالاهای دیگر و افزایش شدید بهای کالاهای وارداتی و غیر وارداتی همزمان با گسترش بازارهای سیاه، دیده می‌شود.

تولیدکنندگان محلی می‌گویند که اغلب مواد اولیه و قطعات یدکی مورد نیاز آنان وارداتی است. این امر در نتیجه تورم موجود، سبب بالا رفتن هزینه‌های تولید کالاهای داخلی و در نتیجه افزایش بهای آنها می‌شود. بدین ترتیب، غالباً مشاهده می‌شود که کالاهایی که موه‌سسه‌های کشاورزی و یا صنعتی دولتی تولید می‌کنند، نایاب گشته و یا بهای آنها بالا رفته است.

این موه‌سسه‌ها در گذشته سهمیه‌های ارزی برای وارد کردن مایحتاج خود را از دولت دریافت می‌کردند. اما اکنون این موه‌سسه‌ها که به بخش خصوصی فروخته شده‌اند، موقعیت سابق و تسهیلات ارزی خود را از دست داده‌اند. این امر، آنها را وارد میدان رقابت فشرده‌ای با دیگر موه‌سسه‌ها و بنگاه‌های بخش خصوصی برای به دست آوردن ارز مورد نیاز کرده است.

در نتیجه، اطلاعاتی در دست است که میزان تولید بسیاری از موه‌سسه‌های کشاورزی و صنعتی تابع بخش خصوصی و بنگاه‌های نیمه دولتی - نیمه خصوصی، به علت کمبود مواد اولیه یا قطعات یدکی، بطور چشمگیری کاهش یافته است. گزارش‌های دیگری در دست است که از توقف کار و تعطیل کامل بعضی از این موه‌سسه‌ها به دلیل نداشتن یا کمبود ارز، حکایت می‌کنند.



مقررات تبدیل ارز

دولت عراق در سال ۱۹۸۷، مقرراتی مبنی بر دادن تسهیلاتی برای تبدیل پول محلی به ارز خارجی، به منظور کمک کردن به بازرگانان عراقی وضع کرد. هدف از این کار، کمک به بازرگانان عراقی بود تا از طریق کشودن حسابهایی در خارج از کشور، ارز مورد نیاز وارد کردن کالا را سریعتر تحصیل کنند. از جمله این مقررات، دادن امکان تأمین ارز برای واردکنندگان بخش خصوصی از راههای ویژه بوده مانند؛ واردکننده حسابی در خارج از کشور داشته باشد یا اینکه با فرد یا افراد مقیم خارج از کشور شریک شود و دولت متعهد می‌گردد درباره منبع یا منابع ارزی وی سؤالی از او نکند.

تفسیر رسمی این اقدام آسان کردن کار واردکنندگان محلی با استفاده از حسابهای بانکی بخش خصوصی است. اما شکایت بازرگانان، از بالا رفتن سریع قیمت برابری ارز نسبت به دینار عراقی است. در حال حاضر قیمت غیررسمی دلار در حدود ۶ تا ۱۰ برابر قیمت رسمی آن در نوسان است. این امر باعث افزایش هزینه‌های تولید برحسب دینار عراقی و در نتیجه بالا رفتن ارزش نهایی کالاهای محلی است.

بدون شک، فراهم کردن ارز، چه از بازار سیاه داخلی و چه از منابع خارج از کشور، مستلزم پرداخت دینار عراقی است و به دلیل افزایش میزان فروش دینار به منظور فراهم کردن دلار، لیره، استرلینگ و دیگر ارزهای خارجی معتبر، ارزش دینار عراقی روز به روز کاهش یافت و به تبع آن، بهای تولیدات داخلی (برحسب دینار) سرعت بالا رفت.

بحران کشاورزی

گزارشهای رسیده از بغداد نشان می‌دهد که کشاورزی آن کشور، در حال حاضر، با بحران سختی روبه‌روست. اوضاع ناامیدکننده زمانی بروز کرد که بخش کشاورزی نتوانست مقادیر بیشتری مواد اولیه برای کارخانه‌ها و کارگاههای تولید مواد غذایی و علوفه دامی تولید کند. این امر، وارد کردن مواد پاد شده را ضروری ساخت. همچنین امتیازهای داده شده به منظور تشویق صادرات کشور، باعث گردید تا مقادیر زیادی مواد غذایی و علوفه به خارج از کشور صادر شود. این امر به کمبود این مواد در بازارهای داخلی منجر شد و دولت را به وارد کردن علوفه و خوراک دام برای مصرف داخلی، ناچار ساخت.

از این رو، ملاحظه می‌گردد که در حال حاضر تنها بخشهایی که توانستند از وابستگی خود به ارز خارجی بکاهند، بخشهای متکی بر صنایع نفت و گاز است. گفته می‌شود که به دلیل گسترش تأسیسات و زیربنای مربوط به صنعت نفت در چند سال اخیر، اکنون، عراق می‌تواند مقادیر بیشتری نفت و فراورده‌های آن را تولید کند.

سالیهای جنگ، محرومیت، کمبود و اوضاع بسیار سختی برای کلیه مراقبها به همراه داشته است. بویژه بحران ارزی کشور، در طول سالیهای جنگ و پس از آن، بر اثر برنامه‌های صرفه‌جویی دولت، به همان شدت بر جای ماند. از این رو، دولت عراق در حال حاضر درصدد است تا برخی خواسته‌های مردم را تأمین کند تا

مقداری از محرومیت و رنج چندین ساله آنان را بکاهد.

دولت عراق در حال حاضر، خواستار دادن اهمیت بیشتری به بخش خصوصی است تا این بخش، نقش مهمتری در کل اقتصاد کشور پیدا کند. هدف از این اقدام، بهبودی اوضاع اقتصادی کشور عنوان شده است. اما این میزان از توجه به بخش خصوصی، ممکن است به زیان بخش وسیعی از مردم آن کشور، به دلیل اوضاع غیرعادی موجود، تمام شود. بنابراین چاره‌ای جز اعمال سیاست کنترل قیمت‌ها به توسط دولت و حفظ نقش اقتصادی دولت، باقی نمی‌ماند.

بازپرداخت بدهیهای خارجی

دولت عراق در حال حاضر با مشکلات مربوط به فرا رسیدن زمان بازپرداخت بدهیهای خارجی خود، بشدت دست‌به‌گریبان است. آگاهان اقتصادی جهان، مقدار این بدهیها را بیش از ۶۵ میلیارد دلار برآورد می‌کنند. از مبلغ یاد شده، سهم تعدادی از کشورهای عرب - بویژه عربستان سعودی و کویت - بیش از ۳۰ میلیارد دلار است. مبالغ یاد شده به منظور توانا ساختن عراق به ادامه جنگ با ایران پرداخته شده و انتظار نمی‌رود دولت عراق این بدهیها را بازپرداخت کند.

اما بدهیهای عراق به کشورهای صنعتی غرب، "سنگین" توصیف شده‌است. بدهی عراق به ژاپن نیز حدود ۶ میلیارد دلار و به فرانسه و آلمان غربی هر کدام ۵ میلیارد دلار برآورد شده‌است.

گفته می‌شود که دولتهای غربی عمده طلبکار از عراق، اخیراً "با آن کشور در مورد تجدید نظر در جدول زمانبندی بازپرداخت بدهیهای خود به توافق محرمانه‌ای دست یافته‌اند. قید وضع شده برای تعویق انداختن زمان بازپرداخت بدهیها از نوع محرمانه و غیررسمی بوده و ضمن کارهای "باشگاه پاریس" صورت گرفته‌است.

اعتقاد رایج در حال حاضر این است که چارچوب این توافق را کشورهای صنعتی غرب در ماه ژانویه گذشته وضع کرده‌اند و هدف آن در درجه اول بازداشتن عراق از رودررو قرار دادن کشورهای طلبکار با یکدیگر تا شرایط بهتری از نظر تجدید زمانبندی بازپرداخت بدهیهای خود، به دست آورد، بوده‌است.

در دوره هشت ساله جنگ با ایران، عراق همواره سعی کرده رقابت بین کشورهای گوناگون صنعتی را که به آنها بدهکار است، برانگیزد. این کار، گاهی با تشویق و گاهی با تهدید آشکار و پنهان، صورت می‌گرفته است.

به رغم سری بودن توافق اخیر، اطلاعات موجود نشان می‌دهد که چارچوب کلی توافق یاد شده مبنی بر دادن مهلت حداکثر پنج سال به کشور عراق برای بازپرداخت بدهیهای خود است. این مهلت به عنوان حداکثر مهلتی است که داده شده و شامل توافقی‌هایی که بعداً "منعقد می‌گردد نیز می‌شود. همچنین توافق گردید که بازپرداخت بدهیهای عراق از طریق موافقتنامه‌های دوجانبه بین عراق از یک سو و هریک از کشورهای طلبکار از سوی دیگر، صورت گیرد.

